

علی صابری: وقتی چهارچوب درستی برای اعتراض نباشد، نه معترض به جایی می‌رسد، نه حاکمیت کاری از دستش برمی‌آید. پس جامعه هم باید اقتناع شود که برای منظم و هدفمند شدن اعتراض محتاج یک چهارچوب است، ولی باز ذی نفع اولیه حاکمیت است. حاکمیت است که باید به دنبال تقنین و قانون باشد و اگر چنین نکند دیگر جامعه به این مجرای نیازی نمی‌بیند تا به رسمیت شناخته شود.

تعامل کند؟

چند سال است که ماجرای جلیقه‌زرها در فرانسه مسئله شده است، به این دلیل که توده‌ای از افراد غیرمتشکل اند که در فضای مجازی منسجم‌اند، اما دولت فرانسه نمی‌داند با چه گروهی سروکار دارد و باید وارد مذاکره و تعامل شود؛ چون متشکل نیستند. اگرچه حق بر اجتماع یک حق فردی است، اعمال آن به صورت جمعی و سازمان‌یافته است. یکی از تفاوت‌های اعتراضات و اغتشاشات می‌تواند همین باشد؛ مثلاً اگر عده‌ای که هویت و خواسته‌شان معلوم نیست، شلوغ کردند و دادوبیداد به راه انداختند، کارشان از رویه اعتراض فاصله دارد. اساساً اعتراض برای اعتراض نیست، بلکه می‌خواهیم با اعتراض به نتیجه برسیم؛ بنابراین اصل بر تجمع متشکل و دارای هویت است؛ از همین رو باید به حق تشکل پایبند بود. اگر خواهان اعتراضات مسالمت‌آمیز هستیم تا میان اعتراض و اغتشاش تمایز باشد باید تشکل‌ها را تقویت کنیم. این موضوع در قانون احزاب دیده شده است و آیین‌نامه دارد. در مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی، این موضوع مطرح شده است که در اصل ۲۷ عبارت مجوزمحموری آورده شود یا نه؟ جمع‌بندی آن‌ها این بود که درج نشود و نیاز نیست. با علم و آگاهی بوده و می‌دانستند راجع به چه چیزی صحبت می‌کنند. فقط دو شرط آورده‌اند. البته شرط مخل به مبانی اسلام تفسیرپذیر است و به شفافیت نیاز دارد و شرط مسلحانه نبودن هم که کاملاً مشخص است.

آقای دکتر صابری، شما نیز دیدگاهتان را درباره وضعیت اجرای اصل ۲۷ بیان کنید و بگویید الزامات حقوقی ادای حق اعتراض را چه مواردی می‌دانید؟

علی صابری تولایی: در ابتدا باید ببینیم آیا وفاقی وجود دارد که اصل ۲۷ زمینه اجرا نداشته و در نظام حقوقی ما نیز پیاده‌سازی نشده است؟ هستند کسانی که معتقدند این اصل، به همین شکلی که طراحی شده، به علاوه مجرای قانون احزاب کفایت می‌کند. آن‌ها گمان می‌کنند این اصل از آسمان روی زمین پیاده‌سازی و بارگذاری شده است. پس اگر درباره عدم کفایت آنچه تاکنون بوده است مناقشه‌ای وجود دارد، لازم است درباره آن صحبت کنیم. اما اگر بپذیریم که این اصل مغفول‌عنه است، پس پرداختن به این سؤال و مناقشه جایی ندارد و می‌توان از آن گذشت. به نظر من، این اصل در عمل معطل مانده است. فکر می‌کنم که خیلی‌ها می‌دانند این اصل پیاده‌سازی و اجرا نشده است. پس با مفروض گرفتن اینکه فعلاً جای حق اعتراض در نظام حقوقی ما خالی است، به ذکر چند مقدمه می‌پردازم تا از آن‌ها نتایجی بگیریم:

مقدمه اول این است که در مبانی اسناد و اسناد مبنایی جمهوری اسلامی این حق و تکلیف با حداقل قیود و با حداکثر وسعت و رخصت پذیرفته شده است.